

کرامت و جایگاه زنان در نظام حقوقی اسلام

ناظر حسین زکی

مقدمه

دیروز وضعیت دردناک زنان در سیستم رسوم فرسوده جاهلی رقم می خورد، و امروز در قالب نظامهای حقوقی لجام گسیخته.

دیروز ستهای فرسوده قبایلی زنان را فاقد هرگونه حقوق انسانی و تهی از کرامت بشری می دانست، ولی امروزه انواع لجام گسیختگیها زندگی زنان را در نظام برده داری مدرن در تیرگی فروبرده است و انواع جرمها و گرفتاریهای دردناک که هرروز در مقیاس وسیعتر نسبت به دیروز دامنگیر زنان می گردد، نظیر خودسوزی، خودکشی، اعتیاد، قتلهای ناموسی، فروش دختران جوان، تجارت سفید، بردگی و خشونت جنسی، وحشتناک تر از گذشته، کرامت و حیثیت انسانی زن را پامال نموده است. و تحمیل کارهای سخت و ناسازگار با جسم و روحیه زنان، زیانهای بدنی، روانی و حیثیتی را بر آنها وارد کرده است.

تجارت سفید و بردگی مدرن، کرامت انسانی زن را چنان لکه دار کرده که سخن راندن از کرامت زن برای گروههای مدافع حقوق زن چیزی جز مایه سرانگندگی نیست.

مطالعه وضعیت زنان به خوبی نشان می دهد که هم نظامهای حقوقی گذشته و هم نظامهای حقوقی امروز نا توان از اعاده کرامت و عزت برای زنان است. و در این میان تنها نظام حقوقی اسلام می تواند کرامت و عزت را برای زنان به ارمغان بیاورد.

این مقاله کوششی است برای اثبات همین فرضیه که سعادت و کرامت زنان در نظام حقوقی اسلام به خوبی تامین و تضمین شده است.

کرامت و منزلت زنان

آموزه های نظام حقوقی اسلام با نگاه واقعینانه به زنان، بسان مشعلی فروزانی است که می تواند فرا راه زنان قرار بگیرد، و به آنان کرامت و کمال ببخشد. و در اینجا به اختصار به پاره ای از آنها اشاره می گردد:



الف (یکسانی گوهر زن و مرد در آفرینش

در دیدگاه اسلامی زن و مرد هر دو انسان، مخلوق و بنده خداوند سبحان است، و از لحاظ خلقت دارای گوهر واحد انسانی است که از نفس واحده آفریده شده اند، و مبدأ خلقت هر دو يك چیز می باشد.

در قرآن کریم در چهار مورد اشاره شده که خلقت و آفرینش مردم (ناس = انسان)، از نفس واحده است. و این مردم (ناس = انسان) می توانند زن باشد و یا مرد:

۱. در سوره نساء آمده است: (یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها)^(۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.»

۲. در سوره انعام آمده است: «و خدا آن خدایی است که شما را از یکتن تنها آفرید»^(۲).

۳. در سوره اعراف نیز خداوند فرموده است: (هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیکن الیها)^(۳)؛ «خدا آن کسی است که شما را از یک تن تنها آفرید. و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بساید.»

۴. همچنین در سوره زمر فرموده است: (هو الذی خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها)^(۴)؛ «خدا آن کسی است که (همه) شما را از یک تن تنها آفرید. و همسرش را نیز از جنس او قرار داد.»

در این آیات مبارک، سخن از این رفته است که آفرینش انسان از گوهر واحدی است که از آن تعبیر به نفس واحده شده است.

و افزون بر آن، خداوند منشأ آفرینش انسان اعم از زن و مرد را از خاک، سپس از نطفه می داند که مراحل خاصی را طی می کند، تا انسان کاملی گردد، چنانکه فرموده است:

(ولقد خلقنا الانسان من صلصال من حما مسنون والجنان خلقناه من قبل من نار السموم)^(۵)؛ و محققا ما انسان (یعنی حضرت آدم علیه السلام) را از گل خشک، از لای ریخته شده آفریدیم؛ و جن را قبلا از آتش سوزان خلق کردیم.

(یا ایها الناس ان کتتم فی ریب من البعث فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم من مضغة مخلقة و غیر مخلقة)^(۶)؛ ای مردم! اگر در باره برانگیخته شدن (در روز قیامت) تردید دارید (این شك و تردید شما مورد ندارد) زیرا ما شما را قبلا و اولاً از خاک، بعداً از نطفه، سپس از (علقه = خون بسته شده)، و بعد از «مضغه» (مضغه بر وزن لقمه یعنی گوشت نیم جویده ای که صورت بندی شده، یا نشده باشد) آفریدیم.

و نیز در دیگر آیات منشأ آفرینش انسان از خاک و نطفه بیان شده است^۷ آیاتی که ذکر شد بیانگر این است که زن و مرد در نظام حقوقی اسلام دارای سرشت متفاوت نیست، بلکه سرشت واحد و یکسان انسانی دارند، مبدأ آفرینش هر دو به يك چیز بر می گردد که خاک و سپس نطفه باشد.

هرچند زن و مرد از نظر صفات جسمی و روحی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند، همانطور که مردان نسبت به یکدیگر و نیز زنان نسبت به یکدیگر صفتهای متمایزی دارند، به گونه‌ای که دو نفر مرد یا دو نفر زن از هر نظر یکسان و بدون تفاوت باشند، وجود ندارند؛ زیرا آفرینش هستی، بدیع و به دور از تکرار است، با این همه، زن و مرد از دو گوهر جدا خلق نشده اند، بلکه مبدأ آفرینش هر دو به يك اصل و حقیقت می رسد که خاک و نطفه باشد؛ چنانکه اشاره گردید.

بنا بر این، مبدأ آفرینش زن و مرد در دیدگاه اسلامی خاک است. یعنی همانطوری که مبدأ آفرینش مرد خاک و گل است، مبدأ آفرینش زن نیز گل و خاک است، نخستین انسان یعنی حضرت آدم از خاک خلق شده است، نخستین زن یعنی حضرت حوا، نیز از خاک آفریده شده است، نه اینکه حوا از دنده چپ آدم خلق شده باشد. چنانکه صاحب تفسیر نمونه در ذیل تفسیر آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» گفته است که آفرینش همسر آدم از اجزای وجود خود آدم نبوده بلکه از باقیمانده گل او صورت گرفته است، چنان که در روایات اسلامی به آن تصریح شده، و اما روایتی که می گوید: "حوا" از آخرین دنده چپ آدم آفریده شده است، سخن بی اساسی است که از بعضی از روایات اسرائیلی گرفته شده، و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم از "سفر تکوین" تورات تحریف یافته کنونی آمده است، و از این گذشته بر خلاف مشاهده و حس می باشد؛ زیرا طبق این روایت يك دنده آدم برداشته شد و از آن حوا آفریده گشت، و لذا مردان يك دنده در طرف چپ کمتر دارند، در حالی که هیچ تفاوتی میان پهنه‌داد دنده‌های مرد و زن وجود ندارد و این تفاوت، افسانه‌ای بیش نیست^(۸).

شیخ طوسی از مفسران بزرگ اسلام، نیز دیدگاهی را که می گوید: حوا از دنده چپ آدم خلق شده، سست و مردود شمرده است^(۹). چنانکه در روایتی که عیاشی در تفسیرش از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است، آن حضرت این سخن را که حوا از دنده چپ آدم آفریده شده تکذیب کرده و فرموده است که پدرم از نیاکامم و آنها از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند، که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «حوا از همان خاکی آفریده شده است که حضرت آدم از آن خاک خلق شده است»^(۱۰).

سید شریف رضی (متوفای ۴۰۶) در تفسیر (خلق منها زوجها) گفته است: «ای جعل زوجها من جنسها لیسکن الیها و تسکن»، یعنی خداوند همسر حضرت آدم را از جنس او قرار داد، تا

مایه آرامش خاطر او باشد^(۱۱).

شیخ طوسی در تفسیر تبیان در ذیل آیه «خلقکم من نفس واحدة» یادآور شده که این آیه اشاره به تمام آفرینش بشر دارد.^(۱۲) به این معنا که آفرینش همه انسانها از گوهر واحدی است، چه زن باشد و چه مرد. و نیز ابو مسلم در تفسیر آیه گفته است: خداوند حضرت آدم را از نفس واحد خلق کرد، و از همان نفس واحد همسرش حوا را آفرید^(۱۳). و به قول علامه طباطبایی نفس واحد همه انسانها را در بر می گیرند و اختصاص به مردان ندارد^(۱۴) و بنا بر این زنان نیز از همان نفس واحد آفریده شده اند که مردان از آن خلق شده اند.

افزون بر همه آنچه گفته شد، اطلاق آیاتی نظیر «ولقد خلقنا الانسان من صلصال من حمأ مسنون»^(۱۵)، «خلق الانسان من صلصال کالفخار»^(۱۶)، که در برابر خلقت و آفرینش جن به کار رفته که خداوند جن را از آتش آفریده است، و نیز اطلاق آیاتی نظیر «ومن آیاته ان خلقکم من تراب»^(۱۷) زنان را نیز در بر می گیرد؛ زیرا انسان و همچنین واژه «خلقکم» شامل زنان و مردان است. در این آیات، تنها آفرینش مردان منظور نیست، بلکه جنس خلقت انسان در نظر است که زنان را نیز در بردارد.

شهید مطهری یکی از نظریه پردازان معاصر در باره یکسانی گوهر زن و مرد از لحاظ خلقت می گوید: «آیا زن و مرد دارای یک طینت و سرشت می باشند و یا دارای دو طینت و سرشت؟ قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن در باره آدم اول می گوید: «همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم»^(۱۸) در باره هند آدمیان می گوید: خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید»^(۱۹).

هرچند میان قرآن، تورات و انجیل در اینکه آفرینش انسان از عنصر خاک است، نظر یکسان وجود دارد، اما در باره کیفیت آفرینش، دیدگاهها متفاوت است؛ زیرا همانطور که گفته شد انجیل^(۲۰) و تورات^(۲۱) آفرینش زن را از بخشی بدن مرد می داند، ولی از قرآن کریم، و کلام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که فرموده است: «ان الله تبارک و تعالی قبضة من طین فخلطها بيمينه - وکلتا یدیه یمین - فخلق منها آدم وفضلت فضلة من الطین فخلق منها زوجها»^(۲۲) چنین به دست می آید که آفرینش زن و مرد از گوهر واحد و نفس واحد است. که در این دیدگاه مبدأ آفرینش زن و مرد یک گوهر است و یک ماده حیاتی که در آن دوگانگی و یا اصل و فرعی وجود ندارد.

بنا بر این به گفته شهید مطهری: «در قرآن از آنچه در بعضی از کتب مذهبی هست که زن از مایه ای پست تر از مایه مرد آفریده شده و یا اینکه به زن جنبه طفیلی و چپی داده و گفته اند

که همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شده^{۲۳}، اثر و خبری نیست، علیهذا در اسلام نظریه تحقیر آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد.»^(۲۲)

بنا بر این، نگاه طفیلی و تحقیر آمیز به زنان از لحاظ خلقت و آفرینش آنها در نظام حقوقی اسلام نفی شده است و تمام زنان و مردان، از زن و مرد نخستین گرفته تا به امروز و تا قیام قیامت؛ از يك طینت و گوهر آفریده شده اند. از این رهگذر زنان به خوبی توانسته اند در نظام حقوقی اسلام کرامت انسانی و جایگاه واقعی خویش را بیابند.

ب) تساوی زن و مرد در کرامت انسانی

در اسلام نگاه تحقیر آمیز به زنان از این رهگذر که آنها فاقد کرامت انسانی و ناتوان از کسب جایگاه ارزشی و معنوی باشد، به شدت نفی شده است، و زنان در آموزه های اسلامی توانسته اند از لحاظ کرامت و فضیلت، جایگاه واقعی و ارزشی خویش را به دست آورند به گونه ای که در کرامت انسانی و کسب ارزشهای معنوی بین زن و مرد تبعیض و تفاوت از نظر جنسیتی دیده نمی شود.

و همچنین زنان در اسلام مورد ستایش قرار گرفته اند، و به خاطر کمالات مستحق بر خورداری از حیاط طیبه و اجر و پاداش همسان با مردان، در قرآن کریم از آنها یاد گردیده است، چنانکه از آیات زیادی استفاده می شود، از جمله آیات ذیل:

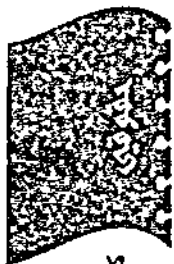
۱. (من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة ولنجزینهم اجرهم باحسن ما كانوا یعملون)^(۲۵) «هرکس کار شایسته ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد»^{۲۶}.

۲. (ومن عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب)؛ «و هرکس عمل نیک انجام دهد چه مرد و چه زن در صورتی که مؤمن باشد این گونه افراد داخل بهشت خواهند شد، و به قدری رزق و روزی به ایشان عطا می شود که حساب ندارد»^(۲۷).

۳. (ومن یعمل من الصالحات من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئك یدخلون الجنة ولا یظلمون تقیرا) «و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد»^(۲۸).

۴. (ومن یعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا یخاف ظلما ولا هضما)؛ «و آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می ترسد، و نه از نقصان حقش»^(۲۹).

در این آیات و نیز در دیگر آیات دیگر^(۳۰)، زن و مرد به طور یکسان بدون در نظر گرفتن



تبعیض جنسیتی، مستحق پاداش و حیات طیبه، دانسته شده اند، و تصریح شده بر اینکه خداوند عمل هیچ يك از زن و مرد را ضایع نمی سازد و هرکدام ثواب و پاداش اعمال خویش را می بینند.

در این آیات، زنان و مردان از نظر کرامت انسانی و رسیدن به درجات بالایی معنوی و ارزشی بدون تفاوت و تبعیض جنسیتی یکسان و در کنار هم در نظر گرفته شده اند.

و افزون بر آن، بعضی از زنان نظیر حضرت مریم (علیه السلام) مورد تکریم و لطف و نظر خداوند واقع شده و از آنها به نیکی و شایستگی خاصی در قرآن یاد گردیده است، چنانکه در در سوره آل عمران از حضرت مریم به نیکی یاد شده است و به جهت کمالات و پاکیزگی به عنوان زن برگزیده از آن یاد گردیده و از سوی خداوند سبحان غذای مخصوصی برای او در محراب عبادت عطا می شده است. و نیز از زن فرعون به عنوان مثل برای مؤمنان یاد شده است^(۳۱).

این آیات می رسانند که کسب کرامت متعالی و ارزشی، رسیدن به مقام قرب الهی، به جنسیت مربوط نیست، بلکه کسب ارزش بستگی به تزکیه و میزان ایمان و عمل صالح دارد، خواه زن باشد و خواه مرد، و زندگی میدان مسابقه و رقابت سالم میان زنان و مردان برای رسیدن به ارزشهای متعالی انسانی است. و از این رهگذر میان زن و مرد تفاوتی به چشم نمی خورد.

ج) عدم تبعیض در تکلیف و نیایش

قرآن کریم هدف از آفرینش را پرستش خداوند سبحان و رسیدن به کمال در سایه عبادت یاد کرده و فرموده است: (و ما خلقت الانس و الجن الا ليعبدون)^(۳۲). و واژه «انس» در برابر جن آمده است و به طور یکسان زن و مرد را در بر می گیرد.

در نظام حقوقی اسلام زن و مرد هر دو قابلیت تکلیف دارند و یکسان مورد خطاب برای تحمل مسؤولیت واقع شده و در نیایش و عبادت و وظائف و مسؤولیتهایی بر عهده آنها نهاده شده اند. از نظر قابلیت تکلیف و عبادت، رفتارهای تبعیض آمیز جنسیتی میان آنها وجود ندارد. اگر در پاره ای از موارد برخی از وظایف و مسؤولیتهای سخت و زحمت آور از دوش زن برداشته شده است، به دلیلی که مایه رنج و زحمت برای اوست، یا ناسازگار با جسم لطیف و نامناسب با توان و طاقت زنان می باشد، نظیر تأمین هزینه زندگی و یا مشارکت در جهاد مسلحانه و نظائر آنها، چنین نگاهی به یقین يك نوع تکریم، احترام و مراعات حالت جسمی و روحی بانوان است، هرچند که راه مشارکت در جهاد به نحو داوطلبانه برای بانوان باز و بیامان است، چنانکه در صدر اسلام زنان چنین مشارکتی داشتند^(۳۳) که به آنها اشاره خواهد گردید.

خداوند در آیات زیادی از عبادات و تکالیف یکسان و مشابه برای زن و مرد نام برده است

و میان آنها تفاوت جنسیتی نگذاشته است، که به مواردی از آنها اشاره می گردد:

۱. (والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله ورسوله اولئک سیرحهم الله ان الله عزیز حکیم)؛ مردان و زنان مؤمن و مؤمنه دوستان و سرپرستان یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می نمایند. و نماز را به پای می دارند، و زکات را می پردازند، و فرمانبردار خدا و رسول می باشند. ایشانند که خدا به زودی آنان را مورد مرحمت خود قرار می دهد. محققا خدا عزتمند و حکمفرما است»^(۳۴).

در این آیه می بینیم که زنان همانند مردان، به کارهای مهمی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، پرداخت زکات از مال خویش، پیروی از فرمانهای خدا و رسول می پردازند. و در شأن و منزلت و در وظائف فردی و اجتماعی، تفاوت جنسیتی میان آنها گذاشته نشده است.

۲. در پاداش دهی خداوند به اعمال نیک زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد، (ان المصدقین و المصدقات و اقرضوا الله قرضا حسنا یضاعف لهم و لهم اجر کریم)^(۳۵) «مردان و زنان اتفاق کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند (این قرض الحسنه) برای آنان مضاعف می شود و پاداش برارزشی دارند».

همچنین در این آیه زنان در کنار مردان برای انجام کارهای نیک نظیر کمک به درماندگان و دستگیری از آنها با پرداخت صدقه و قرضهای بلاعوض، مورد تکریم و مستحق اجر و پاداش مضاعف واقع شده، و از این رهگذر تبعیض جنسیتی میان زنان و مردان وجود ندارد.

از این آیات به خوبی استفاده می شود که در نظام حقوقی اسلام، زنان از نظر به عهده داشتن تکالیف عبادی و مسؤولیتهای اجتماعی، کرامت و منزلت خاصی دارند که هرگز قابل قیاس با شأن منزلت زن که در گذشته تاریخ داشتند نیست.

و افزون بر همه اینها «قرآن در تمام مواردی که داستان خلقت آدم و حکم الهی به نزدیک شدن او به درخت ممنوعه را بیان می کند و سرانجام فریب خوردن او از وسوسه های شیطانی و اخراجش از بهشت را شرح می دهند، آدم و همسرش را یکسان مورد خطاب قرار می دهند. نه از تکالیف و مسؤولیت زوجه آدم چیزی می کاهد و نه از سست تر بودن او در امثال امر الهی و زودتر فریب خوردنش سخن می گوید»^(۳۶) از جمله آیاتی که به این موضوع اشاره دارد، آیاتی از سوره بقره و اعراف است که به آوردن ترجمه آنها اکتفا می شود:

یک. آیه ۳۵ و ۳۶ سوره بقره: «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد. و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمتهای) آن، از هر جا می خواهید، گوارا بخورید (اما) نزدیک این درخت نشوید که از

ستمگران خواهید شد» (۳۷).

دو. آیه ۱۹ - ۲۳ سوره اعراف: «و (گفتیم) ای آدم تو و زوجه ات ساکن بهشت شوید، بعدا شیطان آنان را وسوسه کرد تا عورت ایشان را که پوشیده و پنهان بود به ایشان بنمایاند. و شیطان به آنان گفت: پروردگار شما، شما را از نزدیک شدن به این درخت جلوگیری ننموده مگر اینکه شما دو فرشته یا از افراد جاویدان باشید، و شیطان برای حضرت آدم و حواء سوگند یاد کرد که حتما منظور من پند و اندرز شما می باشد، بعدا شیطان ایشان را از مقامشان فرود آورد. هنگامی که از آن درخت چشیدند عورتشان برایشان پدیدار شد، حضرت آدم و حوا گفتند: ای پروردگار ما! ما به نفس خوشتن ستم کردیم» (۳۸).

سه. همچنان در اسلام سخن از مجازات یکسان برای زن و مرد سخن رفته است و در کیفر دادن جرم سرقت و ارتکاب عمل حرام زنا هر دو مورد خطاب واقع شده اند، چنانکه در آیه های ذیل به آن اشاره شده است:

۱. (والسارق والساقه فاقطعوا ايديهما)؛^{۳۹} دستهای مرد و زن دزد را قطع کنید.

۲. (الزانية والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة) به مرد و زن زناکار صد تازیانه بزنند. در این آیات می بینیم زن و مرد در اثر ارتکاب جرم سرقت و اعمال منافی عفت کیفر یکسان دارند. و تفاوت جنسیتی میان آنها در نظر گرفته نشده است.

بنابر این با نگاه کلی به آموزه های اسلامی به خوبی به دست می آید که زن از نظر قابلیت تحمل تکلیف و مسؤولیت، و عبادت و نیایش خداوند سبحان، جایگاه برارنده ای در نظام حقوقی اسلام دارد.

د) نجات دختران از زنده به گوری

کشتن دختران و زنده به گوری بی گناهان، از دردناکترین رفتارهای غیر انسانی در عصر جاهلیت نسبت به دختران است، هرچند دامنه چنین رفتار بی رحمانه تمام قبایل عرب را در بر نداشت، و تنها در میان پاره ای از قبایل مرسوم بود، ولی يك عمل نادر و اتفاقی نبود. در آن روز از بین بردن دختران به شکل فجیع تری صورت می گرفت، ولی امروز به شیوه مدرن آن بسط بیشتری یافته است و سقط جنین و از بین بردن آنها يك امر رایجی این عصر و زمان است.

در آن روز نوزادان به خصوص دختران بعد از تولد کشته می شدند، ولی امروز در شکم مادر نابود می گردند.

زنان در عصر جاهلیت همان سرنوشت اسفبار زنان در نزد سائر ادیان و بکیاتب را داشتند، و از این رو به زنان به عنوان موجود پست، ابزار تولید نسل، خدمتکار مرد و موجود شرور نگاه



می شد، تا جایی که اگر مادری دختر می زاید مایه ننگ و شرمساری شوهر و قبیله می بود، و از شنیدن خبر نوزاد دختر، خشمناک و عصبانی می گردیدند و از شدت خشم رنگ چهره شان سیاه می شدند، و برای شستن لکه ننگ از دامنشان، دختران را زنده به گور می کردند. چنانکه از سرگذشت اسفبار زنان و دختران عصر جاهلیت در قرآن کریم^(۴۰) و نیز در متون تاریخی حکایت شده است.^(۴۱)

یکی از کارهای مهمی که در عصر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) صورت گرفت، مبارزه با پدیده شوم دخترکشی بود. کشتن دختران در اسلام به شدت نکوهش و عمل زشت شمرده شده است. قرآن کریم در آیات زیادی پرده از رفتار ناروا و غیر انسانی اعراب جاهلی نسبت به دختران و زنان برداشته است که از باب نمونه به پاره ای از آنها اشاره می گردد:

۱. سوره نحل: «واذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به الیسکه علی هون ام یدسه فی التراب الا ساء ما یحکمون؛ در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد به خاطر بشارت بدی از قوم و قبیله خود متواری می گردد؛ (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد و یادر خاک پنهانش کند؟! آگاه باشید که بدحکم می کنند.^(۴۲)

۲. سوره انعام: «قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا و لا تقتلوا اولادکم من اطلاق نحن نرزقکم وایاهم»؛ بگو: بیاید تا آنچه را که پروردگار بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم: چیزی را برای خدا شریک قرار ندهید، و به والدین خویشتن نیکویی کنید. و فرزندان خود را از خوف تنگدستی بقتل نرسانید، ما شما و ایشان را رزق و روزی می دهیم.^(۴۳)

در این آیه خداوند دستور به نیک رفتاری نسبت به پدر و مادر داده و از کشتار فرزندان به نهی کرده است، و تأکید نموده که به خاطر تنگدستی (یا زندگی بهتر) فرزندان و نسل تان را از بین نبرید؛ زیرا خداوند خود متکفل رزق و روزی آنها است. همان چیزی که امروز به خاطر رفاهی بیشتر اقدام به نابودی انسان در رحم مادر به طور گسترده انجام می گیرد.

۳. سوره تکویر: «واذا الموءودة سئلت بای ذنب قتلت»؛ در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود به کدامین گناه کشته شدند.^(۴۴)

در نظام حقوقی اسلام، کشتار دختران بی گناه به قدری زشت و منفور شمرده شده است که رسیدگی به این جنایت و جرم شرم آور در روز قیامت، مقدم بر رسیدگی سایر اعمال و دادخواهی در مسائل دیگر دانسته شده است. و این نهایت اهتمام نظام حقوقی اسلام را به خون



انسانها و مخصوصا انسانهای بی گناه می رساند، و نیز بیانگر اهمیت رسیدگی به خون دختران بی گناه می باشد.

و نیز قابل توجه است که قرآن نمی گوید از قاتلین سؤال می کنند، بلکه می گوید از این کودکان معصوم سؤال می شود که گناهشان چه بوده است که چنین بی رحمانه کشته شدند؟ گویی قاتلین ارزش بازپرسی را هم ندارند، به علاوه شهادت و گواهی این مقتولین به تنهایی کافی است^(۴۵).

و نیز این نکته در خور توجه است که قتل فرزندان در نزد بعضی از قبایل اختصاص به دختران نداشتند، بلکه کشتن اولاد و فرزند برای بیشتر مشرکان به عنوان يك عمل خوشایند به حساب می آمدند، چنانکه خداوند فرموده است: (وَكَذَلِكَ زَيْنَ لَكَبِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرُدُّوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُّهُمْ وَ مَا يَفْتُرُونَ^(۴۶)؛ و همچنین شرکای آنها (یعنی بتها) قتل فرزندان را در نظرشان خوب جلوه داده بودند (کودکان خود را قربانی بتها می کردند و افتخار می نمودند!) و عاقبت این کار چنین شد که آنها را به هلاکت افکندند و آئینشان را دگرگون ساختند و اگر خدا می خواست چنین نمی کردند (زیرا می توانست اجبارا جلو آنان را بگیرد ولی اجبار سودی ندارد) بنا بر این آنها و تهمت هایشان را به حال خود واگذار (و به اعمال آنها اعتنا مکن). کلمه اولاد اعم از دختر و پسر می باشد.

قتل فرزندان از جمله دختران بر اساس بینش مشرکانه و عقاید خرافی آن روز استوار بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سنتها و عقاید باطل مشرکان را از میان برداشتند، و رفتارهای ناصحیح آنها را نسبت به فرزندان از جمله دختران نکوهش کردند، و جامعه را از این اعمال تنگین برحذر داشتند، و چنین رفتار ناشایست را زیانبار و باطل اعلام کردند که نتیجه ای جز خسارت چیزی دیگری در بر ندارد، و کلام خداوند را برای مردم بیان داشتند که «مسلمانان آنها که فرزندان خود را از روی سفاقت و نادانی کشتند زیان دیدند و آنچه را خدا به آنها روزی داده بود بر خود تحریم کردند و بر خدا افترا بستند، آنها گمراه شدند و (هرگز) هدایت نیافتند»^(۴۷).

بنا بر این در نظام حقوقی اسلام پدیده شوم دختر کشی به شدت نکوهش شده است و از این رهگذر به دختران و زنان که وجود آنها مایه شرمندگی و تنگ قبیل و جامعه بود به شدت مبارزه نمود. به زنان و دختران کرامت و عزت بخشید. که وجود آنها نه تنها مایه ذلت و سرافکندگی نبود، بلکه به مثابه خیر کثیر و عزت و سربلندی به آنها نگریسته می شد. آیه انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر اثبات کننده این گفته است.

هـ) زن و مرد حامی و پوشش یکدیگر

پاره ای از آموزه های ادیان چنانکه اشارت رفت، به دلیل نگرش تبعیض آمیز به زنان،



فلسفه وجودی زن را مرد می دانستند، و می گفتند: زن برای مرد خلق شده است^(۴۸)، ولی در آموزه های اسلام، زن و مرد به عنوان حامی و پوشش^(۴۹)، مکمل و مایه آرامش و الفت یکدیگر می باشند. نه اینکه یکی دارای وجود اصلی و غایی باشد و دیگر دارای وجود مقدمی و طفیلی. چنانکه آیات ذیل دلالت بر این گفته دارد:

۱. (هن لباس لکم واتم لباس هن)^(۵۰)؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید).

مراد این است که زنان و مردان به منزله لباس برای یکدیگر هستند. و گروهی گفته اند: منظور از لباس سکنا است. به این معنا که زن برای مرد و مرد برای زن مایه آرامش و حفاظت اند^{۵۱}

۲. (ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الینها وجعل بینکم مودة ورحمة)^(۵۲) و از جمله آیات خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت و مهربانی قرار داد.

در این آیات، از زن و مرد به عنوان پوشش و لباس برای یکدیگر نام برده شده است، و لباس حکم حمایت، و حفاظت را دارد^{۵۳}. و این حمایت و حفاظت نسبت به زن و مرد دو جانبه است، و همچنین جاذبه، مودت و دوستی میان مرد و زن که خداوند آن را ایجاد کرده برای هر دو جنس ایجاد کرده است، تا این جاذبه دوسویه باشد، و باعث آرامش یکدیگر بگردد، و خداوند در آیه فرموده است که از نشانه های خداوند این است که از خودتان جفت آفرید، و مرجع ضمیر لکم، انفسکم، و جعل لکم یک چیز می باشد که شامل هر دو جنس زن و مرد است، و این آیه مبارکه هر دو را مورد نیاز یکدیگر مطرح ساخته است. و همانسان که زن برای مرد پوشش، مایه آرامش و جذایت است، همانسان مرد برای زن، پوشش، مایه آرامش و جذایت است و مودت و دوستی میان آنها دوسویه است. و از این لحاظ نیز زنان جایگاه ارزشمندی را در نظام حقوقی اسلام به دست آورده اند و از تحقیری که زن را موجود طفیلی و مقدمی می دانستند، رهایی پیدا کردند.

و) اهلیت یافتن زن برای عقد و مشارکت در امور اجتماعی

زنان پیش از اسلام مجبور و فاقد اهلیت برای مالکیت، عقد و معاملات، شناخته می شدند، ولی در نظام حقوقی اسلام، زن با برخورداری از شایستگی و کرامت انسانی، واجد اهلیت برای مالکیت، انعقاد قرارداد، مبیعه، بیعت، و حق انعقاد عقد نکاح دانسته شد، به گونه ای که عقد نکاح بدون اراده و رضایت زن و یا وکیل قانونی آن، باطل و یا غیر نافذ اعلام گردید. و با شرط رضایت زن و قرارگرفتن آن در یک طرف عقد نکاح، و همچنین تعیین صدق و مهر به وسیله آن، ازدواجهای اجباری و ننگ آور که مایه ذلت و زبونی زنان بود، از بین رفت.





زنان که پیش از اسلام از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم بودند، در پرتو آموزه های مکتب نبوی حق مشارکت در امور اجتماعی را به دست آوردند، تا جایی که در قرآن کریم آمده است: (یا ایها النبی اذا جاءك المؤمنات یتابعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا ینزین ولا یقتلن اولادهن ولا یتاتین بیهتان یفتربنه بین ایدین وارجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعهن واستغفر لهن الله ان الله غفور رحیم)^(۵۴) ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است»!

بیعت زنان در عصر رسول الله یک نوع مشارکت سیاسی به شمار می رفت. و بیعت کنندگان ملتزم به پایبندی و عمل به مفاد بیعت بودند.

در نظام حقوقی اسلام تأمین زنان پذیرفته می شد، چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به همر عکرمه، ام حکیم دختر حارث امان داد^(۵۵)، و این دلیلی بر اهلیت و صلاحیت اجتماعی و سیاسی زنان در نظام حقوقی اسلام است؛ زیرا اگر زنان صلاحیت نمی داشتند، به آنها اعتمادی نمی شد^(۵۶).

در نظام حقوقی اسلام زنان اهلیت و صلاحیت بیعت و برخورداری از حق رأی را پیدا کردند، و اگر چنین حقی را نمی داشتند، با رسول خدا بیعت نمی کردند، در حالی که در میان ۷۳ نفر بیعت کنندگان مسلمانان یتربی که در مکه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیعت کردند، دو نفر زن نیز در آن شرکت داشتند؛ یکی ام عماره به نام «نسیبه» دیگر ام منیع به نام «أسماء». و ماهیت این بیعت، بیعت سیاسی بود و آنها برای جهاد در راه خدا و حمایت از رسول الله (صلی الله علیه و آله) پیمان بستند^(۵۷).

و همچنین در بیعت رضوان، زنان زیادی با رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بیعت کردند^(۵۸).

و نیز طبری پس از فتح مکه، از بیعت زنان با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نام برده و گفته است: «مردم در مکه برای بیعت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجتماع کردند، بعد از آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بیعت با مردان فارغ شدند، زنان با آن حضرت بیعت کردند، و در میان جماعت زنان قریش هند دختر عتبه بود که از رفتار غیر انسانی با پیکر حمزه سیدالشهداء بیمناک بود^(۵۹). و طبری و نیز دیگران چگونگی بیعت زنان با آن حضرت را به تفصیل ذکر کرده اند^(۶۰).

و نیز از جمله زنانی که در صحنه پیکار و جهاد مشارکت داشتند، نسیبه بنت کعب در جنگ

احد، ام سلمه در جنگ بدر و احد^(۶۱)، و نیز در جنگ طائف^{۶۲} و ام سنان اسلمی در جنگ خیبر سلمه^(۶۳)، امّ حکیم، ام عطیه و نیز دیگر زنان، وعده ای نیز برای آب رسانی، تداوی مجروحان و انواع کمک رسانی به مبارزان، در صحنه جنگ مشارکت و حضور داشتند و دستهای نسیبه در پیکار قطع گردید^(۶۴)، شرح آنها در متون تاریخی از جمله در شرح الکبیر و مغنی المحتاج آمده است^(۶۵).

شیبانی در سیر الکبیر از فداکاری ام سلیم در روز حنین نام برده و سخن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در باره مقام و جایگاه نسیبه ذکر کرده که آن حضرت فرمود: «جایگاه نسیبه دختر کعب، برتر از جایگاه فلان و فلان است» سپس آن حضرت گروهی را که از جنگ فرار کرده بودند، نام بردند، و مقاومت و پیکار زنان را ستودند^(۶۶).

و نیز از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به زنان اجازه عزیمت به جبهه جنگ را می داد، و آنها به مداوای مجروحان می پرداختند و از غنائم جنگی نیز سهم می بردند^(۶۷).

و نیز ام عطیه گفته است: «من با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در هفت جنگ شرکت کردم، از اثنایه مجاهدان مراقبت می کردم، برای آنها غذا می پختم، زخمیان را تداوی می کردم و به امور آنها می رسیدم»^(۶۸).

و نیز هنگامی که پیشانی مبارک رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در جنگ احد زخم برداشت، حضرت فاطمه سیده نساء العالمین خون را پاک می کرد، و علی (علیه السلام) آب می ریخت، حضرت زهرا (علیها السلام) وقتی دید خون قطع نمی گردد، قطعه حصیری را برداشت و سوزانید و خاکستر آن را بر زخم رسول الله ریخت و خون قطع گردید^(۶۹).

بدینسان می بینیم که زنان در اسلام چنان مقام و جایگاهی را به دست آوردند که توانستند به خوبی در مهمترین مسایل سرنوشت ساز اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند و در صحنه جهاد و پیکار سهم بگیرند.

در اسلام مسجد مهمترین پایگاه عبادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، و زنان در نظام دینی که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) آن را پایه نهاد، اهلیت و شایستگی فعالیت و حضور در صحنه و اجتماع را پیدا کردند، در مسجد حاضر می شدند، و در صحنه های نبرد با آنکه تکلیف جهاد از زنان برداشته بودند، داوطلبانه حضور پیدا می کردند و نیز در بنای مسجدی که آن حضرت پایه نهاد، حق مشارکت پیدا کردند، و چنین مشارکتی نمونه ای از مهمترین مشارکت زنان در امور اجتماعی به شمار می رود.



ز) اهلیت برای شهادت و حضور در محکمه

زنان در نزد پاره ای از ادیان غیر طاهر خوانده شده‌اند. و در تورات آمده است زن اگر وضع حمل کند و حملش دختر باشد تا هشتاد روز نجس است^{۷۰} و نیز در یهودیت شهادت زن ارزش ندارد، آنچه اعتبار دارد شهادت مرد بالغ است^{۷۱} ولی در نظام حقوقی اسلام زنان واجد اهلیت برای شهادت و حضور در محکمه هستند، تا جایی که شهادت آنها از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. و در مواردی از جمله در باب دیون، شهادت دو زن، برابر شهادت یک مرد قرار گرفت، چنانکه در قرآن آمده است: (یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبوه... واستشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یکونا رجلین فرجل وامراتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احداها فتذکر احداها الاخری) ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید^(۷۲).

بدینسان می بینیم که زنان در حکومت نظام حقوقی اسلام برای شهادت و حضور در محکمه را پیدا کردند که پیش از آن، فاقد چنین شایستگی شناخته می شدند.

ح) ارث بردن زنان

در شریعت اسلام سنت مذموم و ناپسند محرومیت زنان از ارث نفی شده و حق ارث برای زنان و دختران امر مسلم و قطعی شناخته شده است که در پاره ای از موارد، سهم الارث زنان به نصف سهم الارث مردان می رسد، و در پاره ای از موارد به بیشتر از سهم الارث مردان می رسد، تفاوت ارث برای زنان حکمت و فلسفه دارد که باید در جایش مورد بحث و بررسی قرار بگیرد از جمله اینکه در نظام دینی، بارسنگین مالی و تأمین هزینه زندگی خانواده به دوش مردان نهاده شده؛ و از این رو نیازهای مالی مردان نسبت به زنان دوچندان می باشد، و شاید به همین جهت باشد که در پاره ای از موارد مردان دوبرابر زنان ارث می برند، ولی با همه اینها حق ارث در نظام حقوقی اسلام برای زنان امر قطعی و به عنوان قوانین آمره شناخته شده است که کسی حق ندارد آنها را از این حق محروم کند. و بدینسان زنان در اسلام، از محرومیت ارث، نجات یافتند و کرامت و جایگاه واقعی خویش را در باورها و آموزه های شریعت اسلام پیدا کردند.

از جمله آیاتی که این حق را برای زنان مسلم شناخته قرار ذیل است:

۱. (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ)^(۷۳)؛ خداوند به شما در باره فرزندان

سفارش می کند که برای پسران دو برابر سهم دختران قائل شوید.»

نکته قابل توجه در آیه این است که روی ارث بردن دختران تأکید و این جمله که «پسران دو برابر سهم دختران می برند» يك نوع تأکیدی برای ارث بردن دختران به حساب می آیند و در واقع مبارزه با سنتهای جاهلی است که دختران را به کلی از ارث محروم می کردند.^(۷۴)

۲. (فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ)^(۷۵) «اگر فرزندان میت، منحصرأ دو دختر یا بیشتر باشند دو ثلث مال از آن آنهاست، ولی اگر تنها يك دختر بوده باشد نصف مجموع مال از آن اوست.»

در این آیه مبارکه نیز در باره حق ارث برای زنان سخن رفته است.

۳. (للرجال نصيب مما ترك الوالدان والأقربون وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والأقربون مما قل منه أو كثر نصيباً مفروضاً)^(۷۶)؛ برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود می گذارند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند سهمی، خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و لازم الاداء.

قتاده، ابن جریج و ابن زید در باره شان نزول این آیه گفته اند که در دوران جاهلیت عرب، تنها مردان وارث شناخته می شدند. زنان و کودکان را از ارث محروم می ساختند و این آیه در رد آنها نازل گردید^{۷۷} در دوران جاهلیت مردان ارث می بردند و زنان از چنین حقی محروم بودند و این آیه برای رد چنین پندار باطل نازل گردید، چنانکه قتاده، ابن جریج و ابن زید چنین گفته اند. و نیز زجاج در وجه نزول آیه گفته است: در میان عرب تنها کسانی که توان نبرد و توانایی دفاع از حریم ناموس و مال را داشتند حق ارث داشتند و آیه بر باطل خواندن چنین عقیده ای نازل گردید^(۷۸).

و بدینسان زنان در پرتو آموزه های اسلامی توانستند از محرومیت همیشگی نجات یابند. و با یافتن جایگاه اصلی خویش زندگی انسانی و با کرامت داشته باشند.

ممکن است این شبهه مطرح شود به دلیل که زنان در اسلام نصف مردان ارث می بردند، نگاه تبعیض آمیز به زنان شده است و کرامت و جایگاه انسانی زنان نادیده گرفته شده است.

هرچند پاسخ تفصیلی این شبهه مجال بیشتری را می طلبد ولی باید گفت:

۱- کم و یا زیاد بردن ارث ربطی به کرامت و جایگاه انسان ندارد که هرکس بیشتر ارث برد بیشتر کرامت دارد. به دلیل اینکه در پاره از طبقات ارث، با بودن طبقه ای نوبت به طبقه دیگر نمی رسد. با اینکه حق ارث بردن را در شرایط خاصی دارند.

۲- زنان در همه موارد نصف مردان ارث نمی برند. بلکه در مواردی به اندازه نصف مرد و در پاره ای از موارد حتی بیشتر از نصف ارث به زن می رسد.



۳- اگر در جایی که به زنان نصف مردان ارث در نظر گرفته شده به خاطر ملاحظات پاره ای از اموری است که بار آنها را از دوش زنان برداشته شده است. نظیر تامین نفقه خانواده و یا خدمت سربازی و مشارکت در جهاد و علاوه بر آن برای زنان حق مهر قرار داده و نفقه و مصارف زنان را به عهده مردان نهاده اند.^{۷۹}

ط) حق سواد آموزی

در اسلام نه تنها زنان از نعمت سوادآموزی محروم شناخته نشده اند بلکه به فراگیری دانش تشویق شده اند؛ زیرا با ستایشی که در اسلام از دانشمندان، و افراد با ایمان شده و ایمان و دانش مایه فضیلت و برتری قرار گرفته است، زنان را نیز در بر می گیرد. به دلیل اینکه در خطابات قرآنی به افراد مؤمن، زنان نیز مورد خطاب است، مثل این آیه شریفه: (یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبیر)^{۸۰}؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به شما گفته شود: «بجلس را وسعت بخشید (و به تازه واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می بخشد و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید اگر چنین کنید، خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!

در آیه مبارکه مؤمنان مورد خطاب است، و زنان را نیز در بر می گیرد؛ زیرا آنان از جمله ایمان آورندگان به اسلام هستند که به وسیله دانش و علم می توانند به درجات عالی برسند.

زنان با داشتن حق کسب دانش و علم، جایگاه اصلی و فطری خویش را در نظام حقوقی اسلام بازیافتند؛ زیرا زنان بر اساس آموزه های اسلام چنین حق مسلمی را دارند، و رسول گرامی اسلام، بارها کسب دانش و علم را بر همه مسلمانان، بر زن و مرد به عنوان یک فریضه و تکلیف اعلام کردند، و در قرآن کریم، نیز روی علم و دانایی به گونه ای تکیه شده است که زنان را نیز شامل است. آنجا که قرآن کریم می فرماید: آیا آنانکه می دانند و با آنانکه نمی دانند یکسان است؟^{۸۱} نه قطعاً. پس اگر دانستن و دانایی یک ارزش است، دلیلی ندارد که این ارزش ویژه مردان باشد؛ زیرا زنان نیز انسان، بنده، مخلوق خداوند سبحان است که تکالیف و وظایفی را بر عهده دارند.

و در ثانی، دانستن وظایف و تکالیفی که بر دوش زنان است، نیاز به علم و دانستن دارد، و زنان با کسب دانش بهتر می توانند وظایف و تکالیف شرعی و دینی شان را ادا کنند. و خداوند وقتی تکلیف و وظایفی را بر عهده زنان نهاده از لازمه آن آگاهی و دانستن وظایف و مسؤولیتهای شان است.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) به عنوان مبلغ و مفسر وحی الهی و پایه گذار نظام

اسلامی در مدینه، از کسب علم و دانش به عنوان فریضه یاد کرده است که زنان را نیز در بر می گیرد. چنانکه آن حضرت فرموده است: «طلب العلم فریضة»^(۸۲)؛ امام صادق (علیه السلام) فرموده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: طلب دانش يك فریضه و تکلیف است. در این حدیث قید زن یا مرد ندارد، بلکه گفته است که تحصیل دانش فریضه است. فریضه و تکلیف عام است که همه مکلفین را در بر می گیرد، و زنان نیز از کسانی هستند که تکالیف و وظایفی را بر عهده دارند.

و نیز در پاره ای از احادیثی که از آن حضرت وارد شده فراگیری را دانش را بر تمام مسلمانها فرض دانسته اند. چنانکه آن حضرت فرموده است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم»؛ کسب علم بر تمام مسلمانها فرض است.

این حدیث را علی (علیه السلام)^(۸۳) و نیز ابن عباس و دیگران از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت کرده اند^(۸۴). و کلمه کل مسلم زنان را نیز شامل اند، زیرا زنان مسلمان اند و از مصداق کل مسلم اند.

در بعضی از احادیث واژه مسلمة نیز ذکر شده به این معنا که کسب دانش و علم بر مرد و زن مسلمان فرض شده است. چنانکه از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت شده که آن حضرت فرموده است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة»؛ طلب دانش بر تمام مردان و زنان مسلمان، فرض است^(۸۵).

شاید آوردن قید "مسلمه" در حدیث شریف به این جهت باشد، که ممکن است برخی بپندارد، همانطور که در پیش از اسلام زنان از کسب دانش و علم محروم بودند، حالا نیز چنین است، به این دلیل که زنان در حدیث ذکر نشده اند. و با آوردن قید مسلمه جایی برای چنین توهمی باقی نمی ماند. و این امر را مسلم می کند که کسب دانش و فضیلت نیز حق زنان است و زنان چنین اهلیتی را دارند.

زنان در عصر رسول الله (ص) بهترین موقعیت را در نظام نوپای اسلام یافتند، و کلام نورانی رسول خدا، که برگرفته از وحی الهی بود، زنان را به سوی کسب کمال و دانش سوق دادند، و زنان مقام و جایگاه والای خود را بازیافتند، تا جایی که زنان زیادی به عنوان محدثه، و راوی در جامعه آن روز ظهور کردند^(۸۶) و نیز بعد از آن، که هر کدام از آنها به بیان حدیث و تبلیغ سخنان رسول گرامی اسلام می پرداختند و با حضور در مساجد و مجالس علمی هويت از دست داده خویش را به دست می آوردند.

دکتر احمد شبلی در باره فعالیت زنان در عرصه تحصیل، تدریس و نشر دانش گفته است که زنان در عصر رسول الله (صلی الله علیه وآله) نه تنها از حق کسب دانش برخوردار بودند، بلکه



حق تدریس و نشر دانش را در میان مردان و زنان نیز داشتند، و در میان زنان، استادان زیادی در بخشهای گوناگونی از دانش اسلامی ظهور کردند^(۸۷)، و در صداقت و امانت علمی، گویی سبقت را از مردان ربودند تا جایی که حافظ ذہبی گفته است که در میان زنان محدث کسی را متهم و متروک باشد نمی شناسم^(۸۸).

ی (نقش زن در خانه

تلاش و فعالیت زن در منزل، نقش به سزایی در رشد و تکامل خانواده از نظر تربیتی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی دارد، متأسفانه تلاش زنان در اثر تحقیر و نگاه طفیلی، ارزش و قیمتی نداشت. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با توجه به نقش عمده و حیاتی زن در سعادت خانواده، به تلاش و زحمات زن، چنان ارزش و قیمت داد که در ردیف ارزش و قیمت پیکار مجاهدان فی سبیل الله قرار گرفت، چنانکه آن حضرت فرمود: «زحمت و فعالیت هر یک از شما زنان در خانه خویش، پاداش جهاد مجاهدان را انشاء الله دارد»^(۸۹).

چنین نگاهی به ارزشمندی فعالیت زنان، حکایت از کرامت و جایگاه والای زنان در اسلام دارد.

ک (تلاش مردان برای خانواده همپای جهاد در راه خدا

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) خانواده را، که زن جزء رکن مهم آن به شمار می رود، چنان ارزشمند و والا دانسته است که از تلاش مرد برای حفاظت و خدمت به خانواده به مثابه جهاد در راه خدا یاد کرده است: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله»^(۹۰) «زحمت و کوشش مرد در راه آسایش و تأمین نیازمندیهای خانواده، همانند پیکار مجاهد در راه خداوند است».

کار و فعالیت مردان برای تأمین رفاه و رفع نیازمندی های اعضای خانواده با چنین نگاهی که همسرش رکن شاخص آن را تشکیل می دهد، حکایت از کرامت و جایگاه ارزشی زن در آموزه های شریعت و نظام حقوقی اسلام دارد.

ل (رفتار نیکو و عادلانه با زنان

زنان بیشترین ستم و ظلم را از ناحیه همسران شان در خانواده متحمل شده اند، تا جایی که در عصر جاهلیت و نیز در میان سایر قبایل و اقوام، بادید تحقیرآمیز به زنان نگاه می شد، عدالت و رفتار پستدیده با زنان چندان مفهوم نداشت، و مردان با زنان به عنوان مایملک و اموال منقول و غیر منقول نگاه می کردند، و برای خود حق می دادند که هرگونه بخواهند می توانند با آنها رفتار بکنند.

در نظام حقوقی اسلام چنین نگاهی با زنان مردود اعلام شده است. و از رفتار عادلانه در امر زناشویی و نظام خانواده سخن رفته است.



در گذشته به دختران یتیم و زنان بی بضاعت و بی کس، پس از ازدواج با آنها رفتار ظالمانه می شد، اموال و دارایی آنها در اختیار مطلق همسران شان قرار می گرفت، و مردان به خود اجازه هرگونه تصرف را در اموال و دارایی زنان می دادند. در نظام دینی و شریعت نبوی، با چنین سستیهای باطل مبارزه شد و پیامبر (ص) با تلاوت آیاتی در باره رعایت عدالت در باره زنان، کرامت و جایگاه واقعی آنها را تثبیت کرد و این آیه نورانی برای زنان آن روز نسیم روح بخشی بود که زندگی تیره آنها را طراوت داد: (وان خفیم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء منی وثلاث ورباع فان خفتم الاتعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا)^(۹۱)؛ و اگر می ترسید از اینکه (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) رعایت عدالت در باره آنها نکنید (از ازدواج با آنان صرف نظر نمایید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می ترسید عدالت را (در باره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمایید و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید. این کار بهتر از ظلم و ستم، جلوگیری می کند.

همانطور که در شأن نزول این آیه آمده، پیش از اسلام رسم بر این بود که بسیاری از مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان تکفل و سرپرستی به خانه خود می بردند، و بعد با آنها ازدواج کرده و اموال آنها را هم تملک می کردند، و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می کردند، آنها را ترک کرده و به شکل همسر معمولی با آنها رفتار نمی کردند. در این باره آیه فوق نازل شد و به سرپرستان ایتم دستور داد در صورتی می توانند با دختران یتیم ازدواج کنند که عدالت را به طور کامل در باره آنها رعایت کنند، و در غیر این صورت از آنها چشم پوشی کرده و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب نمایند.

و همچنین در این آیه در باره حفظ اموال آنها دستور داد شده که اگر با ازدواج با دختران یتیم، توانایی رعایت عدالت را در باره حقوق زوجیت و اموال آنها ندارید، به سراغ زنان دیگر بروید^(۹۲). و نیز در ذیل این آیه دستور به رفتار عادلانه با سایر همسران داده شده است. در حالی که رفتار نیکو و عادلانه پیش از اسلام نسبت به زنان وجود نداشت. و از این نگاه، زنان توانستند در نظام حقوقی اسلام، جایگاه خوبی از نظر رفتار عادلانه و انسانی، هم نسبت به خود و هم نسبت به دارایی و اموال خود، به دست آورند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زنان را دارای حق و حقوقی دانسته و مردان را مکلف به رعایت آن نموده است، چنانکه آن حضرت در فرازی از خطبه طولانی که در حجة الوداع فرمود: «ان لکم من نساءکم حق و لسنائکم علیکم حقا»؛ شما بر زنان تان حقی دارید و زنان شما بر شما حقی دارند»^(۹۳).

در اسلام، دستور صریح به معاشرت نیک به زنان آمده است، آنجا که خداوند سبحان فرموده



است: (وعاشروهن بالمعروف)^(۱۴) با زنان به خوبی رفتار کنید». چنین سخنی با چنین دستور صریحی، هرگونه بدر رفتاری با زنان نفی شده است. و چنین حق معقول و انسانی را که شریعت اسلام با بیان صریح و گویا و کوتاه (وعاشروهن بالمعروف) در نظر گرفته بی نظیر و بی مانند است.

در نظام حقوقی اسلام معاشرت نیکو با زنان به عنوان یک اصل مسلم و خدشه ناپذیر شناخته شده است. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بهترین مردان را کسی دانسته است که با همسران شان رفتار نیکو داشته باشد، و کسی را محبوبترین فرد در نزد خداوند معرفی نموده است که نیکوترین رفتار با خانواده اش بکند: «وأحب العباد إلى الله تعالى أحسنهم صنعا اسرانه»^(۱۵) در حدیث دیگر آمده است که رسول خدا (ص) بهترین انسان را کسی معرفی کرده که رفتار نیکو با همسران دختران شان داشته باشد.^(۱۶)

در شریعت اسلام رفتار نیکو با همسر، به عنوان معیار انسان خوب شناخته شده است. چنانکه رسول خدا (ص)، ملاک خوب بودن انسان را رفتار شایسته با همسرش قرار داده است، و نیز رفتار خودش را با همسرانش، از همه بهتر معرفی کرده و فرموده است: «وخیرکم خیرکم لسانه، وأنا خیرکم لسانی»^(۱۷).

و نیز آن حضرت فرموده است: «بهترین شما کسی است که خوب ترین رفتار را با خانواده اش داشته باشد، و من نسبت به شما بهترین رفتار را با خانواده ام دارم»^(۱۸). از این بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) يك نتیجه منطقی را می توان گرفت و آن اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از همه انسانها بهتر است؛ زیرا آن حضرت نسبت به سایر انسانها، رفتار نیک و پسندیده با همسرانشان داشت. پس می بینیم که در اسلام، خوش رفتاری با زنان معیار و ملاک خوبی مردان قرار گرفته است، و بدترین انسان کسی شناخته شده است که با همسرش رفتار بد داشته باشد.

رسول خدا (ص) رفتار کریمانه و انسانی با زنان را معیار کرامت و شخصیت قرار داده و بد رفتاری با زنان را معیار بی شخصیتی و فرومایگی معرفی کرده و در ادامه حدیث مزبور فرموده است: «ما اکرم النساء الا کریم و لا اهانهن الا لئیم؛ زنان را جز انسانهای بزرگوار مورد تکریم و احترام قرار نمی دهد و آنان را جز اشخاص فرومایه مورد اهانت قرار نمی دهد»^(۱۹).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیک رفتاری با زنان را سفارش و توصیه خداوند سبحان خوانده و فرموده است: «ان الله تعالى یوصیکم بالنساء خیرا فانهن امهاتکم و بناتکم و خالاتکم؛ خداوند سبحان شما را در باره نیک رفتاری با زنان به نیکی سفارش می کند؛ زیرا بانوان، مادران و دختران و خاله های شما هستند»^(۲۰).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بد رفتاری با خانواده شدیداً نهی و نکوهش نموده و



آنهايي را كه نسبت به خانواده اش ستم روا مي دارد و حقوق آن را ضايع مي كند، ملعون خوانده و فرموده است: «ملعون ملعون من ضيع من يعول»؛ ملعون است ملعون است كسي كه حق خانواده اش را ضايع كند»^(۱۰۱).

اين آموزه ها به خوبي اثبات مي كند كه زنان در اسلام در جايگاه رفيعي قرار دارند و از كرامت و بزرگواري والايي برخوردارند و كسي كه حقوق خانواده و همسرش را در نظر نگيرد به عنوان ملعون و رانده شده از رحمت خداوند شناخته شده است.

م) سفارش در باره مادر

در اسلام مقام و جايگاه مادر چنان ارزشمند است كه رسول خدا (ص) سفارش در باره مادران را مقدم بر سفارش پدران قرار داده است. چنانكه مردى در نزد آن حضرت آمد و پرسيد: يا رسول الله چه كسى به نيكي و گرامى داشتن شايسته تر است؟ حضرت در پاسخ فرمود: مادرت. او گفت: سپس چه كسى؟ حضرت فرمود: مادرت. سپس چه كسى؟ فرمود: مادرت. او گفت: سپس چه كسى؟ حضرت فرمود: پدرت.^{۱۰۲}

و همچنين صعصعه جد فرزدق به رسول خدا عرض كرد: يا رسول الله جانم به فدايت مرا توصيه و سفارش به نيكي نما! حضرت فرمود: ترا در باره مادرت، پدرت و چهارپايانت سفارش مي كنم.^{۱۰۳}

از اين دو حديث به خوبي پيدا است كه احترام و گرامى داشتن مادر نسبت به پدر در اولويت قرار دارد. و اين حكاييت از جايگاه و كرامت زن در نظام حقوقى اسلام دارد.

ن) پاس داشتن حرمت زنان

پاس داشتن حرمت و عفت زنان، پاس داشتن كرامت و شخصيت زنان است. رسول خدا (ص) به پاسداري از عفت و پاكدامى زنان سفارش مي كرد و مي فرمود: «وعفوا عن نساء الناس تعف نساؤكم» نسبت به زنان مردم عفت ورزيد، تا زنان تان عفيف و پاكدامن بمانند»^(۱۰۴). بنا بر اين پاس داشتن حرمت زنان در نظام حقوقى اسلام به عنوان يك اصل مورد توجه قرار گرفته است.

س) زن مایه خیر و برکت

بر خلاف سنتهاي خرافي گذشته كه زنان را مایه شرارت و نكبت مي دانستند؛ در اسلام زن مایه توانگري و برکت دانسته شده است. چنانكه رسول خدا (ص) فرموده است: «تزوجوا النساء فانهن يأتين بالمال» ازدواج كنيد؛ زيرا زنان توانگري و دارايي مي آورند.^(۱۰۵) از اين نظر نيز مي بينيم كه وجود زن مایه خیر و خوبي است كه حكاييت از گرامنايگي او



دارد که وجودش ذاتا نیک و خیر است.

ع) زن محبوب و دوست داشتنی

زن در پاره ای از فرهنگها، موجود منفور به حساب می آید، ولی در آموزه های پیامبر اسلام زن چنان محبوب و دوست داشتنی است که از میان آنچه که در دنیا وجود دارد چیزی به پای محبوبیت زن نمی رسد، تنها بوی خوش توانسته است در کنار محبوبیت او قرار بگیرد. چنانکه حضرت محمد (ص) فرموده است: «حَبِّبَ الی من دنیاکم النساء والطیب وجعلت قرّة عینی فی الصلاة»؛ از دنیای شما دو چیز را دوست می دارم؛ یکی زنان، و دیگری بوی خوش، و روشنایی چشمم در نماز قرار داده شده است.^(۱۰۶)

از نظر عاطفی، کرامت و شخصیت بخشی رابطه نزدیک با عنصر محبت دارد. در کلام رسول خدا (ص) روی عنصر محبت زنان چنان تکیه شده است که مقدار و اندازه ایمان به خداوند سبحان را ملاک مقدار و اندازه محبت زنان قرار داده و فرموده است: «کلما ازداد الایمان عبدا ازداد حبا للنساء؛ هر زمانی که به ایمان بنده افزوده شود محبت او نسبت به همسرانش نیز افزایش می یابد»^(۱۰۷) و همچنین آن حضرت فرموده است که محبت با زنان یکی از عطیه های الهی به اهل البیت است.^(۱۰۸)

بنابر این محبت، احترام و تکریم شخصیت زنان، جزء سیره و رفتار رسول خدا (ص) بوده است. و با الگو قرار دادن رفتار و آموزه های آن حضرت، کرامت و شخصیت زنان حفظ می شود.

ف) برخورداری زن از وظایف و تکالیفی در برابر شوهر

خداوند سبحان زن و مرد را موجود مختار آفریده و پیامبرانش را برای هدایت و ارشاد هردو فرستاد است. زن و مرد هردو می توانند راه هدایت و سعادت را برگزینند یا راه شقاوت و ضلالت را.^(۱۰۹) لذا همانطور که مردان وظایف و تکالیفی نسبت به همسران شان دارند، زنان نیز وظایف و تکالیفی را نسبت به شوهران شان دارند و هردو می توانند با رعایت و یا عدم رعایت حقوق و تکالیف شان راه سعادت و یا شقاوت را برگزینند.

زن و مرد هر دو در نظام خانواده مسؤولیتی دارند که موظفند به آن عمل کنند. از این رو زنان با همه جایگاه ارزشمندی که در آموزه های شریعت اسلامی دارند؛ می توانند با برگزیدن راه رشد و سعادت بهترین باشند، و نیز می توانند با انتخاب راه شقاوت و ضلالت بدترین باشند. رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) بهترین زنان را با در نظر گرفتن عمل به وظایف و تکالیفی که برعهده دارند، معرفی نموده است و به عنوان نمونه به چند مورد از سخنان آن حضرت اشاره می گردد:



۱. حضرت علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «بهترین زنان، زن زایای مهربان است که هرگاه به او نگاه افگنی شاداب است و در غیابت حافظ و نگهبان باشد»^(۱۱۰).

بنا بر این زنان نیکو از منظر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) زنانی با این ویژگیها است: (۱) زایا، (۲) مهربان، (۳) مستور و محجوب، (۴) عقیف و پاکدامن (۵) عزیز و سرافراز در نزد خانواده و کسان خویش، (۶) تسلیم و نرم خو در برابر شوهر، (۷) آراسته و با زینت در مقابل شوهر، (۸) محفوظ و محصون در برابر غیر شوهر، (۹) فرمانبر گفتار شوهر، (۱۰) پذیرایی آنچه که شوهر در خلوت خواستار است، (۱۱) نگاه به سیمای او مسرت آور باشد، (۱۲) در غیاب همسر حافظ و نگهبان او باشد.

نتیجه

بنا بر آنچه گذشت به خوبی معلوم گردید که زنان در نظام حقوقی اسلام در تمام عرصه های زندگی، از نگاه فکری، فلسفی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی در جایگاه طبیعی و ارزشهای اصلی و فطری خویش قرار گرفته اند، و از حقوق نظیر حق کار، حق تحصیل، حق مشارکت در امور اجتماعی، حق ارث، حق کرامت و حسن معاشرت، و نظائر آن برخوردارند و در جایگاهی ارزنده ای قرار دارند. جایگاهی که در اثر افکار و اندیشه های انحرافی، و ستمهای ستمبار قبیله‌ای از بین رفته بود و زنان را موجود ذلیل، پست و در ردیف حیوانات قرار داده و در حد اموال و اشیاء تنزل داده بود. و حتی در عصر شکوفایی خرد و دانش زنانی هستند که در اثر افراط بیش از حد، کرامت، منزلت و جایگاه طبیعی و انسانی‌شان را از دست داده و در سراسیمگی سقوط و نابودی قرار گرفته اند و نظام مقدس خانواده را بریاد داده اند. تا جایی که در پاره ای از کشورها زن به عنوان ابزار تجارت در خدمت نظام سرمایه داری قرار گرفته اند، و وسیله خوشگذرانی مردان، و متاع درآمد شرکتها واقع شده اند، و صنعت سکس و تجارت سفید را رونق می دهند. و یا زنان در پوشش آزادی و مساوی با مردان مجبور شدند که کارهای سخت را در کارخانه ها و مزارع تحمل کنند، و با رنج و عذاب هزینه خود را تأمین نمایند، و یا تن به اعمال نادرست بدهند. این گونه زنان پس از دست دادن نیروی جوانی متوجه می شوند که همچون کالا از رده خارج شده و حتی ارزش کالا بودن خود را نیز از دست داده اند.

از مطالعه وضع اسفبار زنان در گذشته و امروز به خوبی در می یابیم که نظامهای حقوقی بشری و کنوانسیونهای مدافع زنان نتوانسته اند کرامت و عزت را برای زنان به ارمغان بیاورند، با دادن آزادیهای بجام گسیخته به زنان و سست کردن بنیاد خانواده، و راندن آنها در عرصه های مختلف ناسازگار با سرشت و طبیعت زنان، آنها را به دام شیادان انداخته و به مثابه برده مدرن در



اختیار سازمانها و گروههای بهره‌کشی از زنان قرار داده‌اند. و این ستم دیگری است که کرامت و عزت زنان را تهدید می‌کند. و در این میان آموزه‌های اسلام و نظام حقوقی اسلام تنها راه نجات زنان شناخته می‌شود که در پر تو بازگشت به سوی نور و خورشید شریعت تابناک حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌توانند از گرداب ذلت و خواری نجات یابند و جایگاه طبیعی و انسانی را بیابند و کرامت از دست رفته‌ای خود را به دست بیاورند.



شماره ۲۷ / بهار ۱۳۸۶

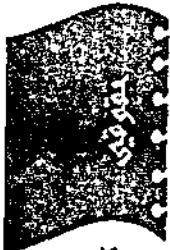
بی نوشت

۱. سوره نساء، آیه ۱.
۲. سوره انعام، آیه ۹۸.
۳. سوره اعراف، آیه ۱۸۹.
۴. سوره زمر، آیه ۶.
۵. سوره حجر، آیه ۲۶، ۲۷.
۶. سوره حج، آیه ۵.
۷. مراجعه شود به سوره رحمن، آیه ۱۴، ۱۵. سوره فاطر، آیه ۱۱. سوره کهف، آیه ۳۷. سوره نجم، آیه ۴۵، ۴۶.
۸. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۸۱، ۲۸۲.
۹. محمد، شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ج اول، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۷.
۱۰. محمد، عیاشی، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، ج ۱، ص ۳، ۲۱۶.
۱۱. شریف رضی، حقائق التأویل فی مشابیه التنزیل، بیروت، دارالمهاجر، بی تا، ص ۳۰۹.
۱۲. التبیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۵، ص ۵۴.
۱۳. پیشین، ج ۴، ص ۴۰۹.
۱۴. المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۵.
۱۵. سوره حجر، آیه ۲۶.
۱۶. سوره رحمن، آیه ۱۴.
۱۷. روم آیه، ۲۰. فاطر آیه ۱۳، غافر، آیه ۶۷.
۱۸. سوره نساء آیه ۱.
۱۹. سوره نساء، و سوره نحل، و سوره روم (مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ج چهلیم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷).
۲۰. انجیل برنابا، فصل ۳۹، آیه ۲۹-۳۳.
۲۱. تورات، سفر پیدایش، باب اول، آیه ۲۷.
۲۲. محمد، عیاشی، تفسیر عیاشی، پیشین، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۶.
۲۳. رک تورات، سفر پیدایش سفر، باب اول ۲۷.
۲۴. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ج چهلیم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.
۲۵. سوره نحل ۹۷.
۲۶. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جلال جمال، ص ۹۵، قم، مرکز نشر اسراء ج پنجم، ۱۳۸۱.
۲۷. سوره غافر، آیه ۴۰.
۲۸. سوره نساء، آیه ۱۲۴.
۲۹. سوره طه، ۱۱۲.
۳۰. سوره حدید، آیه ۱۲. سوره آل عمران، ۱۹۵. سوره انبیاء، آیه ۹۴. سوره طه، ۱۱۲.
۳۱. سوره آل عمران، آیه ۳۷، ۴۲، سوره تحریم، آیه ۱۱.



۳۲. ذاریات، ۵۶.
۳۳. رک. ابن کثیر، *سيرة النبوة*، بیروت، دارالمعرفة، ج اول، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۷.
۳۴. سوره توبه، آیه ۷۱.
۳۵. سوره حدید، آیه ۱۸.
۳۶. دکتر حسین مهرپور، *حقوق بشر*، تهران، انتشارات اطلاعات، ج اول، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴ - ۲۲۱.
۳۷. ترجمه: بقره، آیه ۲۴، ۳۵، مکارم شیرازی.
۳۸. اعراف، آیه ۱۹ - ۲۳، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۳۹. مائده آیه ۳۸.
۴۰. رک سوره نحل، آیه ۵۸ - ۵۹، تکویر، آیه ۸ و ۹، انعام، آیه ۱۵۱.
۴۱. رک جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: دارالعلم للملایین، ج اول، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۵۲۸.
۴۲. نحل، آیه ۵۸ - ۵۹.
۴۳. سوره انعام، آیه ۱۵۱.
۴۴. تکویر، آیه ۸ و ۹.
۴۵. رک تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۶، ص ۱۷۷، ۱۷۸.
۴۶. آیه، (۱۳۷)
۴۷. سوره انعام، آیه ۱۴۰.
۴۸. انجیل، رساله یولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، آیه ۹.
۴۹. نگاه کنید به سوره بقره آیه ۸۹.
۵۰. سوره بقره، آیه ۱۸۷.
۵۱. رک: طوسی، محمد، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ج اول، ج ۲، ص ۱۳۳.
۵۲. سوره روم، آیه ۲۱.
۵۳. رک، *التبیان فی تفسیر القرآن*، پیشین ج ۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.
۵۴. سوره ممتحنه، آیه ۱۲.
۵۵. ابن جریر، *تاریخ طبری*، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۶، ۳۳۹.
۵۶. رک دکتر هبه رثوف، مشارکت سیاسی زن، ترجمه محسن آرمین، تهران: نشر قطره، ج اول، ۱۳۷۷، ص ۸۲.
۵۷. تاریخ طبری، پیشین، ج ۲، ص ۹۲، اسماعیل دمشقی، ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، دارالاحیاء التراث العربی، ج اول، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۹۵، ابن کثیر، *سيرة النبوة*، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۷.
۵۸. رک، *البدایه والنهایه*، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۸، ج ۴، ص ۲۴.
۵۹. تاریخ طبری، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۸.
۶۰. تاریخ طبری، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۸.
۶۱. طبری پیشین، ج ۲، ص ۴۱۴، ابن سعد، *طبقات کبری*، پیشین، ج ۸، ص ۴۱۵.
۶۲. *البدایه والنهایه*، پیشین، ج ۴، ص ۳۹۹.

۶۳. ابن جریر، طبری، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا، ج ۳، ص ۳۱۰. رکیحی بن معین، الدوری، تاریخ ابن معین ج ۱، ص ۱۰۸، بی جا، دارالقلم، بی تا.
۶۴. شرح الکبیر، پیشین، ج ۱۰، ص ۴۲۷، مغنی المحتاج، پیشین، ج ۴، ص ۲۲۱.
۶۵. عبدالرحمن ابن قدامه، شرح الکبیر، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۲۷. عبد الله دارمی، سنن دارمی، دمشق، مطبعه اعتدال، ج ۲، ص ۲۱۱.
۶۶. محمد بن حسن، شیبانی، السیر الکبیر، بی جا، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۰.
۶۷. الدكتور السید الجمیلی، سفارشات پیامبر اکرم به دختر و زنان، ترجمه سید مهدی شمس الدین، قم دارالفکر، ج سیزدهم، ۱۳۸۳، ص ۶۰.
۶۸. همان.
۶۹. همان.
۷۰. تورات، سفر لاویان، آیات ۱-۵.
۷۱. آدین اشتاین سالتز، سیری در تلمود، مترجم باقر طالبی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۳ش، ص ۲۴۶.
۷۲. سوره بقره، آیه ۲۸۲.
۷۳. سوره نساء، آیه ۱۱.
۷۴. رک تفسیر نمونه، پیشین، ج ۳، ص: ۲۸۹.
۷۵. سوره نساء، آیه ۱۱.
۷۶. سوره نساء، آیه ۷.
۷۷. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۳، ص ۱۲۰.
۷۸. تفسیر تبیان، پیشین، ج ۳، ص ۱۲۰.
۷۹. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به شهید مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، پیشین، ص ۲۸۶.
۸۰. سوره مجادله، آیه ۱۱.
۸۱. «قل هل یتوی الذین یعلمون والذین لایعلمون انما ینذکر اولو الالباب (سوره زمر آیه ۹) خداوند فرموده است: «قل هل یتوی الاعمی والبصیر ام هل تستوی الظلمات والنور (سوره رعد آیه ۱۶).
۸۲. اصول کافی، پیشین، ج ۱، ص ۳۱.
۸۳. محمد، صفار، بصائر الدرجات، تحقیقی، میرزاحسین کوجه باغی، تهران، مؤسسه اعلمی، ۱۳۶۲، ص ۲۳.
۸۴. محمد قزوینی، ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، ج ۱، ص ۸۱ نورالدین هبشی، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ هسق، ج ۱، ص ۱۱۹.
۸۵. محمد، ابن الفتح کراجکی، کنز الفوائد، قم، مکتبه المصطفوی، طبع دوم، ۱۴۱۰، ص ۲۳۹، امام صادق (ع)، مصباح الشریعه، بیروت، مؤسسه اعلمی، بیروت، ج اول، ۱۴۰۰، ص ۲۲. حسین، میرزای نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ج دوم ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۴۹. سرخسی، المبسوط، پیشین، محمد، رازی، المحصول، بیروت: مؤسسه الرساله، طبع دوم ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۷۸.
۸۶. رک: دکتر عقیقی بخشایشی، زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نوید اسلام، ج اول ۱۳۸۲، ص ۱۱۹.



- ۸۷ رک حکیم پور حقوق زن در کشاکش سنت و تجدید، پیشین، ص ۱۹۸ به نقل از دکتر احمد شبلی، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی ص ۳۶۹.
- ۸۸ ذهبی، میزان الاعتدال فی تقد الرجال، بیروت: دارالمعرفة، بی تا، ج ۴، ص ۶۰۴.
- ۸۹ روضة الواعظین، محمد فتال نیشابوری، تحقیق سید محمد مهدی، قم، منشورات رضی، بی تا، ص ۳۷۶.
- نورالدین هبشی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۰۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷.
- ۹۰ علی بن بابویه، فقه الرضا، بی جا، مؤسسه آل البيت، المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع)، بی تا، ص ۲۰۸، شیخ صدوق، الهدایه، قم، مؤسسه امام هادی، ج اول، ۱۴۱۸ ص ۶۰، کلینی، محمد، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج سوم، ج ۵، ص ۸۸.
- ۹۱ سوره نساء، آیه ۳.
- ۹۲ رک علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر قمی، قم، دارالکتب، ج سوم ۱۴۰۴ ج ۱، ص ۱۳۰، شیخ طوسی، التبیان، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۲، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۳، ص: ۲۵۲ - ۲۵۳.
- ۹۳ محمد شوکانی، نیل الاوطار، دارالجلیل، بیروت، بی تا، ج ۶، ص ۳۴۶.
- ۹۴ سوره نساء، آیه ۱۹.
- ۹۵ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل البيت لاحیاء التراث، ج دوم، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۱۷۱، ج ۱۴، ص ۱۲۲.
- ۹۶ خیرکم خیرکم نسانه و بناته (متقی هنید، کنز العمال ج ۱۶ ص ۲۷۱، بیروت، مؤسسه الرساله).
- ۹۷ همان.
- ۹۸ «خیرکم خیرکم لأخله، وأنا خیرکم لأحلی» (جلال الدین، سیوطی، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، ج اول، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۶۲۲، متقی حندی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: شیخ بکری حیاتی، بیروت: مؤسسه الرساله، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۷۱.
- ۹۹ عبدالرحمن سیوطی، جامع الصغیر ج ۱ ص ۶۳۲، بیروت، دارالفکر ج اول ۱۴۰۱.
- ۱۰۰ مرتضی فرید تنکابنی، نهج الفصاحه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج دوازدهم، ۱۳۸۳، ص ۳۵۸.
- ۱۰۱ «ملعون ملعون من ضیع من یعول» وسائل الشیعه، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۷۱.
- ۱۰۲ محمد کلینی، کافی ج ۲، ص ۱۵۹، ج چهارم، دارالکتب الاسلامیه ج چهارم، ۱۳۶۵.
- ۱۰۳ حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵ ص ۶۵۰، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲.
- ۱۰۴ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ج دوم، ۱۴۰۴، ص ۲۱.
- ۱۰۵ نهج الفصاحه، پیشین، ص ۳۵۵.
- ۱۰۶ همان، ۵۵.
- ۱۰۷ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل ج ۱۴، ص ۱۵۷، قم، مؤسسه آل البيت ج دوم، ۱۴۰۸.
- ۱۰۸ همان ص ۱۵۷.
- ۱۰۹ (انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتله فجعلناه سمیعا بصیرا؛ انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفور) ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزماییم (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (سوره انسان، آیه ۲ - ۳)
- ۱۱۰ عن علی (ع م) قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله خیر النساء الولود الودود التي إذا نظرت إليها سرتك وإذا غبت عنها حفظتك. (مسند زید بن علی، بیروت: دارالحیات، بی تا، ص ۳۰۲)